

روش متقی هندی در نقل احادیث امامان شیعه (مورد مطالعه، برخی از موضوعات کلامی اعتقادی)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۹
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲

روح الله موحدنیا^۱
اعظم پرچم^۲
محمدرضا حاجی اسماعیلی^۳

چکیده

جامع روایی کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال تألیف متقی هندی، از محدثان اهل سنت قرون نهم و دهم هجری، است. این کتاب در بردارنده بیش از سه هزار حدیث از امامان شیعه در موضوعات گوناگونی مانند احکام، اخلاق، علوم قرآنی و اعتقادات است. مقاله حاضر برای بررسی روایات اعتقادی امامان شیعه در این جامع روایی، به تأمل در پاره‌ای از موضوعات مطرح در آن از قبیل شفاعت، خلافت، مباحله و... پرداخته و در پایان باورمند گردیده است که روش متقی هندی در تدوین و بهره‌مندی از این دست از روایات، ناظر بر گزینش، چینش و تقطیع آنهاست. تقویت مبانی اعتقادی و مذهبی و کتمان پاره‌ای از وقایع تاریخی حساس و مهم، محدث را به اتخاذ چنین روش‌های حدیثی سوق داده است. نقل احادیث ضعیف السنند، استفاده از منابع نه چندان معتبر و... انتقاداتی است که به روش حدیثی متقی وارد است.

کلید واژه‌ها: متقی هندی، کنز العمال، روایات اعتقادی امامان شیعه، گزینش، چینش، تقطیع.

۱. دانشجوی دکترای دانشگاه اصفهان movahednia۷۲@gmail.com.

۲. دانشیار دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) azamparcham@gmail.com.

۳. دانشیار دانشگاه اصفهان m.hajis۱@yahoo.com.

مقدمه

پس از قرآن کریم، روایات موثوق الصدور اهل بیت علیهم السلام دومین منبع استخراج معارف قرآنی و مضامین اخلاقی به شمار می‌آید. روایات اهل بیت علیهم السلام غالباً از طریق جوامع حدیثی شیعی و روایات صحابه و تابعین از طریق منابع روایی اهل سنت نقل شده است.

جامع روایی *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال* از منابع حدیثی اهل سنت و در بردارنده بیش از سه هزار روایت از امامان شیعه است. از این رو، نه تنها در میان منابع اهل سنت، که نزد بسیاری از عالمان شیعی نیز مورد عنایت بوده است. نام کامل مؤلف *کنز العمال* در تراجم رجالی، علی بن حسام الدین بن عبد الملک بن قاضیخان متقی شاذلی مدینی جشتی برهانپوری گزارش شده است. وی متولد سال ۸۸۵ ق، در برهانپور بوده و از کودکی به تحصیل علوم مختلفی روی آورده است؛ از جمله:

الف. متقی نزد شیخ بهاء الدین برهانپوری تلمذ کرده و او را در مقامات صوفیه به عنوان مراد خود انتخاب نموده و طریقه چشتی صوفی را از او فرا گرفته است.^۴

ب. علی بن حسام الدین طرق قادریه، شاذلیه و مدینه تصوف را نیز از شیخ ابوالحسن شافعی بکری دریافت نموده است.^۵

ج: متقی افزون بر تحصیل طرق صوفیه، به فراگیری علوم حدیث و تفسیر نیز پرداخته است. وی از شاگردان ابن حجر هیتمی (صاحب کتاب *الصواعق المحرقة* در رد شیعه) بوده و تفسیر *بیضاوی* و *عین العلم* را نزد شیخ محمد سخاوی آموخته است.^۶

مهم‌ترین تألیفات هندی عبارت‌اند از: ۱. *البرهان فی علامات المهدی آخر الزمان*، ۲. *النهج الأتم فی ترتیب الحکم*، ۳. *جوامع الکلم فی المواعظ و الحکم*، ۴. *الوسيلة الفاخرة فی سلطة الدنيا و الآخرة*.

کتاب *کنز العمال* از دیگر تألیفات متقی است که در آن به روایات امامان شیعه توجهی ویژه داشته است. این جامع روایی تلفیق کتاب *غایة العمال* متقی و بخشی از کتاب جمع *الجوامع سیوطی* است. کتاب *غایة العمال* نیز حاصل تلفیق دو کتاب *منهج العمال* و *الاکمال لمنهج العمال* متقی است. وی در تألیف این کتب، به جمع *الجوامع و زوائد سیوطی*

۴. *نزهة الخواطر و بهجة المسامع*، ج ۴، ص ۳۸۵.

۵. *النور السافر عن اخبار قرن العاشر*، ج ۱، ص ۲۸۶.

۶. همان، ج ۱، ص ۲۸۶.

نظر داشته و افزون بر استخراج احادیث این دو کتاب، احادیث دیگری را نیز از دیگر منابع به کنز العمال ضمیمه نموده است.^۷ تفاوت اساسی کنز العمال با جمع الجوامع، در ترتیب و چینش احادیث آن است؛ بدین گونه که احادیث کتاب جمع الجوامع، بر اساس حرف ابتدایی اولین واژه هر روایت (از حرف همزه تا حرف یاء) چینش و مرتب شده است؛ در صورتی که متقی احادیث کتاب جمع الجوامع را همراه با احادیثی دیگر، در عناوین و ابواب مختلف فقهی، اعتقادی و تاریخی چینش و مرتب نموده است. تألیف این کتاب در سال ۹۵۷ق، به پایان رسیده^۸ و تعداد احادیث آن، ۴۶۶۲۴ حدیث است.

روایات امامان معصوم علیهم السلام در این موسوعه، در حوزه احکام، اخلاق، تاریخ و اعتقادات چشم گیر است. پژوهش پیش رو، با نظر به گزینش، چینش و تقطیع محدث از برخی از روایات اعتقادی امامان شیعه علیهم السلام سامان یافته است.

بررسی کارکرد احادیث اعتقادی امامان شیعه علیهم السلام در کنز العمال کاشف از گزینش، چینش و تقطیع محدث در نقل این گروه از روایات است. محدث هندی با وجود این که روایات بیشتری از امامان شیعه علیهم السلام نسبت به سایر محدثان اهل سنت نقل نموده، لیکن در مقام نقل روایات سعی داشته تا از طریق گزینش برخی از روایات، چینش آن ها در ابواب حدیثی و یا تقطیع آن ها، فضایل شیعه و برخی از وقایع تاریخی، همچون دفن مخفیانه حضرت زهراء علیها السلام را کتمان نماید. به عبارت دیگر، جمع آوری صرف احادیث، مد نظر متقی نبوده و در برخی از موارد، اغراض مذهبی و تعصبات وی، عامل گزینش و چینش روایات امامیه است. تقطیع عمدی برخی از روایات و نقل از مصادر نامشهور، از جمله انتقاداتی است که به روش مؤلف در نقل روایات اعتقادی ائمه شیعه وارد است.

یادآور می گردد که درباره روایات حوزه اعتقادی امامیه در کنز العمال و روش حدیثی مؤلف در نقل آن ها، تا کنون پژوهشی سامان نیافته است. از این رو، پژوهش حاضر را باید نخستین گام برای تبیین روش حدیثی مؤلف در نقل روایات اعتقادی امامیه در این موسوعه روایی به شمار آورد.

۷. مقدمه کنز العمال، ج ۱، ص ۴.

۸. الموسوعه الحدیثیه، ج ۱، ص ۱۷.

۱. احادیث امامان شیعه در کتاب کنز العمال

احادیث امامان شیعه در کنز العمال از پراکندگی موضوعی برخوردار است. بنا بر احصای پژوهش‌گر، از مجموع ۴۶۶۲۴ روایت موجود در این موسوعه روایی، ۳۵۷۱ حدیث از ائمه معصوم علیهم‌السلام نقل شده که از این تعداد، ۱۳۵۳ روایت به موضوعات احکام، ۸۸۷ روایت به موضوعات اخلاق و تربیت، ۵۱۵ روایت به حوزه علوم قرآنی، ۳۰۸ روایت به موضوعات تاریخی و ۷۳۴ روایت به موضوعات اعتقادی اختصاص دارد. در نتیجه، روایات اعتقادی در فراوانی و تعداد، در مرتبه دوم قرار می‌گیرد. (نمودار شماره ۱ در پیوست)

از مجموع ۳۵۷۱ روایت از امامان شیعه، ۳۱۸۴ حدیث از حضرت علی علیه‌السلام و مابقی از امامان دیگر نقل شده است. از دیدگاه عالمان اهل سنت و مبانی حدیثی ایشان، حضرت علی علیه‌السلام، در طبقه صحابه است؛ لذا، نقل احادیث آن حضرت از سوی متقی در وهله اول، از باب صحابه بودن، قابل توجیه است؛ لیکن مقایسه تعداد روایات آن حضرت در کنز العمال با دیگر منابع اهل سنت، حاکی از نگاه ویژه متقی به روایات ایشان است؛ به عنوان مثال:

تعداد روایات صحیحین از حضرت علی علیه‌السلام، با حذف مکررات، کمتر صد حدیث بوده؛ در حالی که مجموع روایات این دو کتاب از ابن عباس، بیش از هفتصد روایت است. ابوداؤد سجستانی کمتر از ۱۳۰ روایت از امام علی علیه‌السلام نقل نموده؛ در حالی که احادیث وی از ابن عباس حدود چهارصد روایت است.^۹

پس از روایات امام علی علیه‌السلام، بیشترین روایات، از امام باقر علیه‌السلام و کمترین آن، از امام رضا علیه‌السلام نقل شده است. (نمودار شماره ۲ در پیوست) ناگفته نماند که از امامان متأخر، یعنی حضرت جواد، هادی و عسکری علیهم‌السلام روایت مستقلی در کنز العمال نقل نشده؛ جز این که نام آن‌ها در یک روایت، به عنوان راوی ذکر شده است.^{۱۰}

در حوزه اعتقادات، روایات امام صادق علیه‌السلام، از نظر کثرت، پس از روایات حضرت علی علیه‌السلام، در مرتبه دوم قرار دارد. (نمودار شماره ۳ در پیوست)

کثرت روایات امامان شیعه در کنز العمال و وسعت موضوعی آن‌ها، حاکی از توجه ویژه محدث به امامان شیعه و یک جانبه نبودن نگاه وی به مقام علمی ایشان است؛ گرچه دیگر محدثان اهل سنت نیز به نقل روایات ائمه علیهم‌السلام همت گمارده‌اند، لیکن با در نظر داشتن

۹. «روایات اهل بیت علیهم‌السلام در منابع اهل سنت»، ص ۱۵۱.

۱۰. کنز العمال، ج ۵، ص ۴۸۸.

این‌که متقی بیش از تمامی محدثان اهل سنت، به نقل روایات شیعی اهتمام ورزیده است، می‌توان به حساسیت موضوع و اهمیت مسأله مورد نظری برد؛ به عنوان مثال:

الف. احمد بن حنبل در *المسند*، بیش از ۱۷۰۰ روایت از ابن عباس و ۸۱۹ حدیث از امام علی علیه السلام نقل نموده، در حالی که تعداد روایات آن حضرت در *کنز العمال*، قریب به هزار حدیث، بیشتر از روایات ابن عباس است. همچنین روایات ابوهریره در *مسند احمد* بیش از ۳۷۳۹ روایت است؛^{۱۱} در حالی که روایات حضرت علی علیه السلام در *کنز العمال*، بیش از روایات ابوهریره است.

ب. با وجود آن‌که بخاری،^{۱۲} و احمد بن حنبل^{۱۳} روایت^{۱۳} از امام باقر علیه السلام نقل نموده‌اند، تعداد روایات آن حضرت در *کنز العمال*، بالغ بر ۱۳۶ روایت است. هر چند اقبال متقی به روایات ائمه علیهم السلام تحسین آمیز است، با این وجود، عملکرد وی را نمی‌توان حاصل از حسن نیت وی دانست؛ زیرا از روایات امامان شیعه بهره‌برداری خاص خود را نموده است.

۲. روش حدیثی متقی در نقل روایات اعتقادی امامان شیعه

منظور از احادیث اعتقادی، احادیث مرتبط با اصول دین، شفاعت، بهشت و جهنم و فضایل اشخاص و... است. الحاق احادیث فضایل به احادیث اعتقادی، بدین جهت است که بیان فضیلتی در شأن یک شخصیت، حاکی از اعتقاد محدث به مقام اوست؛ به ویژه اگر آن شخصیت از خلفای سه‌گانه باشد.

با عنایت به این‌که احادیث اعتقادی، از مبانی تشکیل اعتقادات کلامی مذاهب به شمار رفته و بخشی از روایات اعتقادی امامان علیهم السلام توسط محدثی سنی گزارش شده، تحلیل روش حدیثی محدث در مواجهه با این روایات، از اهمیت خاصی برخوردار است.

۱-۲. گزینش روایات

پایه احتجاج، استفاده از مقبولات مخاطب برای قبولاندن حقیقتی است که از آن سرباز

۱۱. رک: *مسند احمد*، ذیل نام هر صحابی.

۱۲. برای نمونه رک: *الجامع الصحیح*، ج ۹، ص ۴۹۵.

۱۳. برای نمونه رک: *مسند احمد*، ج ۱، ص ۸۰.

می‌زند.^{۱۴} در این روش، محدث روایاتی را در تقویت مذهب خود انتخاب و نقل نموده است. متقی از مقبولیت امامان شیعه نزد پیروان این مذهب استفاده نموده و برخی از روایات ائمه علیهم‌السلام را در تأیید عقاید و اغراض مذهبی خود به کار گرفته است. از این رو، یکی از روش‌های حدیثی محدث در نقل روایات اعتقادی امامان شیعه، گزینش برای تأیید عقاید و اغراض کلامی است. در ذیل، به نمونه‌هایی اشاره خواهد شد:

۲-۱. گزینش روایات مؤید خلافت خلفا

متقی با وجود توجه به اهل بیت علیهم‌السلام و روایات ایشان، همواره در صدد تطهیر چهره خلفای سه‌گانه در غصب خلافت و... بوده است. از این رو، روایاتی را از حضرت علی علیه‌السلام در حمایت از خلفا و تأیید موضع آنان گزینش نموده است. (ده روایت)

در بینش متقی، حضرت علی علیه‌السلام نه تنها نسبت به خلافت ابوبکر، رضایت داشته، بلکه خلافت وی را تأیید و از ابتدای امارت ابوبکر با او بیعت نموده^{۱۵} و نسبت به اعتراض فرزند خود، امام مجتبی علیه‌السلام به ابوبکر اظهار ناراحتی نموده است.^{۱۶} رضایت و خشنودی حضرت علی علیه‌السلام از شیخین به گونه‌ای است که پیشنهاد ابوسفیان، مبنی بر شورش علیه خلافت شیخین را به تندی رد و به جایگاه والای ابوبکر اعتراف می‌کند.^{۱۷}

راوی برخی از روایات تأیید خلافت شیخین و فضایل آنان، از لسان حضرت علی علیه‌السلام، عامر بن شراحیل شعبی است. (پنج روایت) دشمنی شعبی با خاندان پیامبر، غیر قابل انکار است؛ زیرا از شخصیتی که قسم یاد می‌کند که علی تا ورود به خانه قبر، قرآن نخوانده است!^{۱۸} شگفت نیست که جاعل احادیثی برای تقویت سیاست حاکم باشد. راوی روایت نماز خواندن ابوبکر بر جنازه حضرت زهرا علیها‌السلام در *کنز العمال* نیز شعبی است؛^{۱۹} واقعه‌ای که خلاف گزارش صحیح کتب تاریخی است.

۱۴. اصول الفقه، ج ۳، ص ۳۳۵.

۱۵. کنز العمال، ج ۵، ص ۶۳۸.

۱۶. همان، ج ۵، ص ۶۱۶.

۱۷. همان، ج ۵، ص ۶۵۷.

۱۸. المعرفة والتاریخ، ج ۱، ص ۴۸۳؛ المعارف، ص ۸۳.

۱۹. کنز العمال، ج ۱۳، ص ۶۸۷.

۲-۱-۲. گزینش روایات فضایل خلفا

برخی از روایات فضایل خلفا در *کنز العمال* به امامان شیعه علیهم السلام اختصاص دارد. (۷۵) روایت از امام علی علیه السلام، یک روایت از امام حسن علیه السلام، یک روایت از امام حسین علیه السلام، یک روایت از امام سجاد علیه السلام، یک روایت از امام باقر علیه السلام و یک روایت از امام صادق علیه السلام متقی با گزینش این روایات، در صدد ارتقای عظمت خلفا در پیشگاه اهل بیت علیهم السلام بوده است. روایات فضایل خلفا از لسان امامان شیعه - که بیشترین آن‌ها از کتاب *تاریخ مدینه دمشق* نقل شده است (۲۶ روایت) - دارای اشکالات سندی، دلالی و مصدري هستند.

۲-۱-۲-۱. اشکالات سندی و دلالی

برخی از روایات فضایل خلفا دارای اشکال سندی و دلالی هستند؛ به عنوان نمونه، به دو روایت اشاره خواهد شد:

روایت اول

قیل لعلی: ألا تستخلف؟ فقال: لا، إن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لم يستخلف، فإن یرد الله بالناس خیرا فسیجمعهم علی خیر کما جمعهم بعد نبیهم علی خیر.^{۲۰}

الف. تحلیل سندی

شعیب بن میمون در سند روایت فوق، مجهول بوده^{۲۱} و قابل احتجاج نیست.^{۲۲} شخصیت ابوائل (راوی ابتدایی سند) نیز دوگانه نقل شده است؛ گویند ابوائل ابتدا علوی بوده، سپس عثمانی شد.^{۲۳}

ب. تحلیل دلالی

مضمون روایت فوق حاکی از آن است که بنا بر اعتراف حضرت علی علیه السلام، رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم جانشین پس از خود را معرفی ننموده و تمامی اختلافات در تاریخ از جانب شیعیان است. حضرت علی علیه السلام بارها در مجامع عمومی و خصوصی، خلافت را حق خود دانسته و پس از شهادت حضرت زهرا علیها السلام، به ابوبکر فرمود:

۲۰. همان، ج ۱۲، ص ۵۱۵.

۲۱. الجرح والتعدیل، ج ۴، ص ۳۵۲.

۲۲. المجروحین، ج ۱، ص ۳۶۲.

۲۳. معرفة الثقات، ج ۱، ص ۴۵۹.

و لَكِنَّكَ اسْتَبَدَدْتَ عَلَيْنَا بِالْأَمْرِ، وَ كُنَّا نَرَى لِقَرَاتِنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ نَصِيْبًا.^{۲۴}

آن حضرت در پاسخ کسانی که وی را به بیعت دعوت نمودند، نیز فرمود:
من از شما برای خلافت شایسته ترم، با شما بیعت نمی‌کنم، بلکه سزاوار این
است که شما با من بیعت کنید.^{۲۵}

احتجاج حضرت به واقعه غدیر نیز در منابع اهل سنت همچون مسند احمد،^{۲۶} مجمع الزوائد هيثمی،^{۲۷} المعجم الكبير^{۲۸} و... نقل شده است. آن حضرت چه در زمان خلفای سه‌گانه و پس از آن، به خلافت شورا و... خشنود نبودند. نمونه بارز این اعتراض‌ها، شکایت آن حضرت به غصب خلافت است که در خطبه‌ای در مدینه ایراد شده است.^{۲۹} بنا بر گزارش منابع تاریخی، آن حضرت، خلیفه پس از خود را معرفی نموده است.^{۳۰}

روایت دوم

از حضرت علی عليه السلام نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به عثمان فرمود:

لو أن لي أربعين ابنة زوجتك واحدة بعد واحدة حتى لا يبقى منهن واحدة.^{۳۱}

تحلیل سندی

شگفت است که متقی به جای نقل احادیث فضایل از منابع حدیثی معتبر چون صحاح سته، مسانید و مصنفات، از منابع تاریخی مانند تاریخ مدینه دمشق مدد جستته است. روایت فوق برای نخستین بار توسط ابن عساکر نقل شده است. در سند این روایت^{۳۲} عقبه بن علقمه قرار داشته که ابن ابی حاتم،^{۳۳} ابن جوزی،^{۳۴} نسائی^{۳۵} و ابن حبان^{۳۶} حدیث وی

۲۴. الجامع الصحیح، ج ۴، ص ۱۵۴۹.

۲۵. الامامه والسیاسه، ج ۱، ص ۱۹.

۲۶. مسند احمد، ج ۲، ص ۹۴.

۲۷. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ۹، ص ۱۳۰.

۲۸. المعجم الكبير، ج ۵، ص ۱۷۵.

۲۹. العقد الفرید، ج ۴، ص ۱۵۷؛ الاوائل، ج ۱، ص ۲۰۰.

۳۰. البدایه والنهایه، ج ۶، ص ۲۴۹.

۳۱. کنز العمال، ج ۱۱، ص ۵۷۴.

۳۲. تاریخ مدینه دمشق، ج ۳۹، ص ۴۲.

۳۳. الجرح والتعديل، ج ۶، ص ۳۱۳.

۳۴. الضعفاء والمتروکین، ج ۲، ص ۱۸۱.

را از اعتبار ساقط نموده و قابل احتجاج نمی دانند. گفته شده که او شیخی مجهول است که احادیثی منکر^{۳۷} نقل نموده است.^{۳۸}

۲-۱-۲-۲. مصادر روایی نامشهور در تأیید خلفاء

تتبع مصادر برخی از روایات ائمه علیهم السلام در فضایل خلفاء، حاکی از تخریح آنها از منابع نه چندان مشهور و مورد اعتماد است؛ به عنوان مثال:

روایت اول

از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به ابوبکر فرمود:

یا أبابکر! إن الله أعطانی ثواب من آمن بی منذ خلق آدم إلی أن بعثنی، وإن الله أعطاک
یا أبابکر ثواب من آمن بی منذ بعثنی إلی یوم القیامة.^{۳۹}

الف. تحلیل مصدر و سند حدیث

روایت فوق از کتاب *المجالسه احمد بن مروان دینوری* نقل شده^{۴۰} و جز در این کتاب، در منابع معتبر اهل سنت یافت نمی شود؛ منابع متأخر، همچون *کنز العمال*، نیز از کتاب *المجالسه* نقل نموده اند. شخصیت احمد بن مروان، به سبب جعل حدیث، مورد تأیید رجالیان نیست؛^{۴۱} افزون بر آن، وجود اسرائیل بن یونس در سند روایت، آن را از اعتبار ساقط می کند. محمد بن احمد مدینی،^{۴۲} ابن سعد، ابن حزم و^{۴۳} یحیی بن سعید^{۴۴} اسرائیل را تضعیف و ابن جوزی روایت وی را در *العلل المتناهیة*^{۴۵} نقل نموده است. همچنین سند

۳۵. همان، ج ۱، ص ۱۰۲.

۳۶. *الضعفاء والمتروکین*، ج ۳، ص ۱۶۳.

۳۷. اصطلاحی حدیثی است به معنای آن که روایات یک راوی، مخالف روایاتی است که از افراد ثقه نقل شده است (علوم الحدیث، ص ۸۰).

۳۸. *الجرح والتعدیل*، ج ۶، ص ۳۱۳.

۳۹. *کنز العمال*، ج ۱۲، ص ۵۱۵.

۴۰. *المجالسة وجواهر العلم*، ج ۸، ص ۲۹۴.

۴۱. *لسان المیزان*، ج ۱، ص ۶۷۲.

۴۲. *الکاشف فی معرفة من له روايه فی الكتب الستة*، ج ۱، ص ۲۴۱.

۴۳. *میزان الاعتدال*، ج ۱، ص ۲۰۹.

۴۴. *الکامل فی ضعف الرجال*، ج ۲، ص ۱۲۹.

۴۵. *العلل المتناهیة*، ج ۱، ص ۱۸۴.

روایت نیز تفرد داشته و جزاین روایت، روایتی از این طریق نقل نشده است.

ب. تحلیل دلالتی حدیث

مضمون روایت، گویای آن است که خداوند پاداش ایمان مردم به ذات خویش را به پیامبر و پاداش ایمان مردم به پیامبر را به ابوبکر داده است. بدیهی است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هیچ‌گونه استقلالی در دعوت به توحید نداشته و ایمان به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در طول ایمان به خداوند است. لذا تمایزی بین این دو مقوله وجود ندارد. افزون بر آن، علت اعطای ثواب ایمان مردم به ابوبکر در روایت فوق بیان نشده است؛ چرا که اگر دلیل این امر، سن ابوبکر و ایمان او باشد، در بین مسلمانان نیز کسانی بوده‌اند که همچون او، سالخورده و با ایمان باشند و این فضیلت، ترجیحی است که مرجح ندارد.

روایت دوم

عن علی قال: عهد إلی رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أن أبا بكر یلی الخِلافة من بعده فیجتمع الناس علیه، ثم یلیها بعد أبی بکر عمر فیجتمع الناس علیه، ثم یلیها عثمان.^{۴۶}
 از مصادر متقی جهت تخریج روایات فضایل، کتابی نامشهور به نام شجره العقل است. این کتاب، تألیف ابوالعباس زوزنی، از عابدان و واعظان صوفیه قرن چهارم^{۴۷} است که متقی روایاتی، همچون روایت فوق را از این کتاب استخراج نموده است.

۲-۱-۳. گزینش در نقل روایات تفسیری امامان شیعه

نقل برخی از روایات تفسیری آیات قرآن در *کنز العمال* گویای آن است که گزینش این روایات، تصادفی و بدون جهت نبوده و عقاید و اغراض محدث و اهمیت برخی از روایات، گزینش آن‌ها را در پی داشته است؛ به عنوان نمونه به دو روایت اشاره خواهد شد:

۲-۱-۳-۱. روایت مباهله

فَمَنْ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَنِسَاءَكُمُ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمُ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمُ ثُمَّ نَبْتَهَلُ فَنَجْعَل لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ.^{۴۸}
 بنا بر مضمون آیه مباهله - که در فضای احتجاج پیامبر با مسیحیان نجران نازل شده

۴۶. کنز العمال، ج ۱۳، ص ۲۳۴.

۴۷. تاریخ الاسلام، ج ۲۶، ص ۵۰۲.

۴۸. سوره آل عمران، آیه ۶۱.

است - دو طرف احتجاج باید برای مباحله، در مکانی واحد حاضر شوند. مشهور روایات سنی و شیعی حاکی از آن است که پیامبر اکرم برای حضور در مباحله، حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را با خود همراه ساخته^{۴۹} و لذا حضور خمسه طیبه در جریان مباحله صحیح دانسته شده است.^{۵۰} افزون بر آن، مراد از «أنفسنا» در آیه، حضرت علی علیه السلام است. از این رو، حضور حضرت در جریان مباحله و احتساب ایشان، به عنوان اهل بیت پیامبر، از فضایل آن جناب است.^{۵۱} با وجود اقرار اکثریت عالمان اهل سنت به حضور خمسه طیبه در مباحله، شگفت است که متقی روایاتی نامشهور را در تفسیر آیه، گزینش نموده و با روایتی شاذ در صدد کتمان حضور حضرت علی علیه السلام در مباحله برآمده است. روایات تفسیری آیه مباحله در *کنز العمال* عبارت اند از:

عن جعفر بن محمد عن أبيه في هذه الآية: قال: فجاء بأبي بكر وولده وبعمرو وولده وبعثمان وولده، وبعلي وولده.^{۵۲}
 عن الشعبي: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لقد أتاني البشير بهلكة أهل نجران، لو تموا على الملاعنة حتى الطير على الشجر والعصفور على الشجر ولما غدا إليهم رسول الله صلى الله عليه وآله أخذوا بيد حسن وحسين، وكانت فاطمة تمشي خلفه.^{۵۳}

منابع در دسترس متقی، همچون *دلائل النبوه*^{۵۴} و *صحیح مسلم*^{۵۵} حضور اهل بیت علیهم السلام در جریان مباحله را نقل نموده و برخی نیز روایت متقی را خلاف مشهور محدثان دانسته اند.^{۵۶}

۲-۱-۳. روایت سبب نزول آیه تحریم خمر

منابعی که متقی جهت تخریج سبب نزول آیه تحریم خمر استفاده نموده، اسباب مختلفی را ذکر نموده اند؛ بنا بر گزارش یکی از روایات، آیه به سبب شرابخواری مصعب بن

۴۹. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۰؛ سنن الترمذی، ج ۶، ص ۱۸۳؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۲۷۷.

۵۰. تفسیر الکبیر، ج ۸، ص ۲۴۸.

۵۱. الشریعه، ج ۴، ص ۱۷۵۶؛ القرآن العظیم (ابن کثیر)، ص ۴۶۳.

۵۲. فتح المنعم شرح صحیح مسلم، ج ۹، ص ۳۳۳.

۵۳. کنز العمال، ج ۲، ص ۳۷۹.

۵۴. همان، ج ۲، ص ۳۸۰.

۵۵. دلائل النبوه، ج ۱، ص ۳۵۳.

۵۶. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۰.

۵۷. روح المعانی، ج ۲، ص ۱۸۲.

سعد و^{۵۸} در یکی از اسباب، آیه در پی درخواست عمر نازل شده است.^{۵۹} با این وجود، متقی سبب نزول آیه را عملکرد حضرت علی علیه السلام دانسته و از آن حضرت نقل نموده است که:

صنع لنا عبد الرحمن بن عوف طعاما فدعانا، وسقانا من الخمر، فأخذ الخمر منا، وحضرت الصلاة، فقدموني فقرأت: ﴿قل يا أيها الكافرون، لا أعبد ما تعبدون﴾، ونحن نعبد ما تعبدون، فأنزل ﴿يا أيها الذين آمنوا لا تقربوا الصلاة وأنتم سكارى حتى تعلموا ما تقولون﴾.^{۶۰}

از مصادر محدث جهت تخریج روایت فوق، مستدرک حاکم نیشابوری است. حاکم پس از نقل این روایت می نویسد: « این مستی و اشتباه خواندن نماز را، خوارج به علی علیه السلام نسبت داده اند، اما خداوند او را از این تهمت مبرا ساخته؛ زیرا خود علی راوی حدیث است (بعید است که خود، راوی چنین اتفاقی باشد). شیوه متقی در پی استخراج یک روایت از یک مصدر حدیثی، آن است که دیدگاه مؤلف درباره روایت را به نقل روایت ضمیمه می نماید،^{۶۱} لیکن پس از نقل سبب نزول فوق از کتاب حاکم، از ذکر نکته حاکم خودداری نموده است.

الف. تحلیل سندی

اقوال در تضعیف «ابوجعفر رازی» (از افراد موجود در سند) بسیار است. احمد بن حنبل،^{۶۲} ابن جوزی،^{۶۳} ابن عدی^{۶۴} و ابن حبان^{۶۵} او را در حدیث ضعیف خوانده و جرح نموده اند.

ب. تحلیل دلالی

گزینش این سبب نزول، برای تطهیر چهره برخی از خلفا در شراب خواری است (هندی خود، ناقل برخی روایات شراب خواری خلیفه دوم است).^{۶۶} ابن حجر عسقلانی،^{۶۷} بیهقی^{۶۸}

۵۸. تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)، ج ۳، ص ۹۵۸.

۵۹. همان.

۶۰. همان، ج ۲، ص ۳۸۵.

۶۱. رک: کنز العمال، ج ۱، ص ۵۱.

۶۲. الضعفاء الکبیر عقیلی، ج ۳، ص ۳۸۸.

۶۳. الضعفاء والمتروکین، ج ۲، ص ۲۴۰.

۶۴. الکامل فی ضعف الرجال، ج ۵، ص ۲۵۴.

۶۵. المجروحین، ابن حبان، ج ۲، ص ۱۲۰.

۶۶. کنز العمال، ج ۵، ص ۵۱۴.

و مالک^{۶۹} معترف به شراب خواری خلیفه دوم هستند. لذا متقی جهت هم سطح ساختن ساحت خلیفه دوم و امام اول شیعیان، بر نقل چنین روایتی حریص بوده است.

۲-۲. روش چینش در روایات اعتقادی امامان شیعه

در این روش حدیثی، محدث با چینش روایات صحیح و ضعیف در کنار یکدیگر، معنایی خلاف مورد نظر شیعه به مخاطب القا می نماید.

مضمون روایات و نحوه چینش آن ها در یک باب حدیثی، معنای عنوان باب و مقصود محدث از ذکر عنوان باب را تبیین می نماید؛ لذا عقاید شخصی و کلامی محدث در چینش و نقل روایات در یک باب حدیثی، دخیل بوده و در خدمت تبیین عقاید محدث به کارگرفته می شود؛ برای نمونه به دو مورد اشاره خواهد شد.

۲-۲-۱. تمسک به کتاب و سنت

متقی در باب «الاعتصام بالکتاب و السنه»، پیش از صد روایت نقل نموده است.^{۷۰} با وجود روشن بودن معنای کتاب، در عنوان مذکور، معنای «سنت» چیست؟ متقی جهت تبیین معنای سنت، باب مذکور را با روایت ثقلین با عبارت «عترتی اهل بیتی» آغاز و بیش از بیست روایت در این موضوع نقل نموده است. راوی برخی از این روایات، همچون روایت ذیل، حضرت علی علیه السلام است:

اتّی قد ترکت فیکم ما إن أخذتم به لن تضلوا، کتاب الله، سبب بید الله، و سبب بأیدیکم و اهل بیتی.^{۷۱}

بنا بر روایت فوق، یکی از مصادیق سنت در نزد متقی، سنت اهل بیت علیهم السلام است. نقل احادیث تمسک به سنت خلفای راشدین در ادامه باب، مخاطب را قانع می سازد که دیدگاه متقی از سنت، افزون بر سنت اهل بیت سنت خلفا نیز هست.

أوصیکم بتقوی الله و السمع و الطاعة و إن أمر علیکم عبد حبشی فإنه من یرعش منکم بعدی فسیری اختلافا کثیرا فعلیکم بسنتی و سنة الخلفاء المهديین الراشدین تمسکوا

۶۷. فتح الباری، ج ۱۰، ص ۳۸-۳۹.

۶۸. سنن البیهقی، ج ۸، ص ۲۹۹.

۶۹. الموطأ، ج ۲، ص ۸۹۴.

۷۰. کنز العمال، ج ۱، ص ۱۷۰.

۷۱. همان، ج ۱، ص ۳۷۹.

بها و عضوا علیها بالنواجذ وایاکم و محدثات الأمور فإن کل محدثة بدعة و کل بدعة ضلالة.^{۷۲}

در نتیجه مقصود متقی از «سنت»، در عنوان، تلفیق سنت خلفای راشدین و سنت اهل بیت است. حال مقصود متقی از اهل بیت علیهم السلام چه کسانی هستند؟

مفهوم شناسی «اهل بیت» در کنز العمال

واژه «اهل بیت» در لغت به ساکنان خانه معنا شده^{۷۳} و بنا بر روایات منقول از پیامبر صلی الله علیه و آله (روایات ذیل آیه تطهیر و روایت سفینه نوح) مقصود از اهل بیت نزد امامیه، خمسه طیبه بوده^{۷۴} و ائمه بعد از امام حسین علیه السلام نیز بنا بر روایات دیگر، در معنای اصطلاحی اهل بیت علیهم السلام داخل می شوند.^{۷۵}

در بینش متقی، اصطلاح «اهل بیت»، افزون بر خمسه طیبه، همسران پیامبر را نیز در برمی گیرد. وی در باب «فضائل اهل بیت مجملاً» بهشتی بودن همسران پیامبر^{۷۶} و در باب «فضائل اهل البیت مفصلاً» فضایل همسران پیامبر را به تفکیک نام هر کدام ذکر نموده^{۷۷} و روایت زید بن ارقم، مبنی بر الحاق زنان پیامبر به اهل بیت علیهم السلام را نیز نقل نموده است.^{۷۸} متقی در باب «صلوات بر اهل بیت»، زنان پیامبر را نیز مشمول صلوات دانسته^{۷۹} و واثله بن اسقع را - که راوی روایت حدیث کسا است - نیز در معنای اهل بیت علیهم السلام داخل می داند.^{۸۰} نهایت آن که، گرچه متقی روایات ثقلین را با عنوان «عترتی اهل بیتی» نقل نموده، لیکن چینش روایات باب «الاعتصام بالکتاب و السنه» گویای وسعت شمول مصداقی «اهل بیت» در نظر متقی است. از این رو، سنت پیامبر در نگاه وی، سنت زنان پیامبر و خمسه طیبه و سنت خلفای راشدین معنا می گردد. دیدگاه شمول گرایانه در مصداقی «اهل بیت» نزد شیعه

۷۲. همان، ج ۱، ص ۱۷۳.

۷۳. لسان العرب، ج ۱۱، ص ۲۹.

۷۴. سنن البیهقی، ج ۲، ص ۱۴۹؛ تفسیر ابن ابی حاتم رازی، ص ۳۱۳۱.

۷۵. بنایع الموده، ج ۲، ص ۴۹۹ و ۵۰۳.

۷۶. کنز العمال، ج ۱۲، ص ۹۴.

۷۷. همان، ج ۱۲، ص ۱۳۰.

۷۸. همان، ج ۱۳، ص ۲۴۱.

۷۹. همان، ج ۱، ص ۴۹۳.

۸۰. همان، ج ۱۳، ص ۶۰۳.

پذیرفته نیست و عالمان اهل سنت همچون بیضاوی^{۸۱} و فخر رازی^{۸۲} نیز بر اطلاق اهل بیت به خمسه طیبه معترف‌اند.

۲-۲-۲. احادیث افتراق امت

متقی، بخشی از باب «الاعتصام بالکتاب و السنة» را به نقل روایات تمسک به جماعت و نهی از ایجاد بدعت، اختصاص داده که برخی از این روایات، از لسان حضرت علی علیه السلام نقل شده است.^{۸۳}

روایت اول

الأئمة من قریش، و من فارق الجماعة شبرا فقد نزع ربة الإسلام من عنقه.

روایت دوم

سأل ابن الکوا علیا عن السنة و البدعة، و عن الجماعة و الفرقة، فقال: یا ابن الکوا حفظت المسئلة فافهم الجواب: السنة و الله سنة محمد صلی الله علیه و آله و البدعة ما فارقها، و الجماعة و الله جماعة أهل الحق، و إن قلوبا، و الفرقة جماعة أهل الباطل، و إن كثروا.^{۸۴}

هندی در ادامه، روایات بسیاری از صحابه و تابعین در موضوع پراکندگی امت بعد از رسول خدا نقل نموده که ناقل پنج روایت از این مجموعه، همچون روایت ذیل، حضرت علی علیه السلام است.

روایت سوم

تفترق هذه الأمة علی ثلاث و سبعین فرق.^{۸۵}

متقی در فضای نقل روایات فوق، روایاتی را نیز در بیان مصداق فرقه ضاله از حضرت علی علیه السلام نقل می‌کند:

روایت چهارم

تفترق هذه الأمة علی ثلاث و سبعین فرقه، شرها فرقة تنتحلنا و تفارق أمرنا.^{۸۶}

۸۱. انوار التنزیل، ج ۵، ص ۸۰.

۸۲. مفاتیح الغیب، ج ۲۷، ص ۵۹۵.

۸۳. کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۸.

۸۴. همان، ج ۱، ص ۳۷۸.

۸۵. همان، ج ۱، ص ۳۸۰.

۸۶. همان، ج ۱، ص ۳۸۰.

روایت پنجم

تفرقت اليهود على إحدى وسبعين فرقة، والنصارى على ثنتين وسبعين فرقة، وأنتم على ثلاث وسبعين فرقة، وإن من أضلها وأخبثها من يتشيع، أو الشيعة.^{۸۷}

روایت ششم

عن ابن عمر قال: "قال لى علي: يا أبا عمر كم افتقرت اليهود؟ قلت: لا أدري. قال علي: واحدة وسبعين فرقة، كلها في الهاوية إلا واحدة هي الناجية. تدري علي كم تفترق هذه الأمة؟ قلت: لا. قال: تفترق علي ثلاث وسبعين فرقة، كلها في الهاوية إلا واحدة هي الناجية. قال: وتفترق في اثنتي عشره فرقة كلها في الهاوية إلا واحدة هي الناجية، وإنك من تلك الواحدة."^{۸۸}

چینش روایات فوق در کنار یکدیگر توسط متقی گویای آن است که با وجود سفارش حضرت علی علیه السلام به پیوستن به جماعت مسلمانان، عده ای راه بدعت را پیموده و از جماعت فاصله گرفته اند. این گروه که خود را به حضرت علی علیه السلام نسبت داده (روایت چهارم) و خبیث ترین و گمراه ترین فرقه هاست، شیعه نام دارد. (روایت پنجم) محتوای روایت چهارم در وصف غلات بوده و این دست از روایات (همچون روایت ذیل) در باب «اوصاف غلات» گزارش شده است.^{۸۹} لذا نمی توان مصداق این گونه روایات را شیعه دانست.

تَفْتَرِقُ هَذِهِ الْأُمَّةَ عَلَى بَضْعٍ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً، شَرُّهُمْ قَوْمٌ يَنْتَجِلُونَ حُبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُحَالِفُونَ أَعْمَالَنَا.^{۹۰}

بنا بر روایت سابق، کسانی که از اوامر اهل بیت علیهم السلام سرپیچی نمایند، بدترین فرقه ها هستند و در این میان، تفاوتی میان شیعه و غیر شیعه نیست. فرقه ناجیه نیز در لسان اهل بیت علیهم السلام فقط کسانی هستند که از مصدر امامت پیروی نموده و عارف به حق ایشان باشند.^{۹۱}

۸۷. همان، ج ۱، ص ۳۷۷.

۸۸. همان، ج ۱، ص ۳۷۸.

۸۹. الشریعه، ج ۵، ص ۲۵۲.

۹۰. همان.

۹۱. بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۱۴.

تحلیل سندی روایات

با وجود تعارض موجود در نقل‌های متفاوت روایات افتراق امت، وضعیت سندی روایات شش‌گانه به شرح ذیل است:

- ابراهیم بن یزید خوزی (از راویان روایت اول) مورد تضعیف رجالیان و محدثانی همچون محمد بن یحیی، احمد بن حنبل و ابوزرعه قرار گرفته^{۹۲} و تمامی روایات ابوصادق (راوی حدیث) از حضرت علی علیه السلام مرسل است.^{۹۳}

- اهل سنت عبدالله بن کوا (راوی روایت دوم) را صحیح الحدیث ندانسته^{۹۴} و رجالیان شیعه نیز او را خارجی ملعون و از سران خوارج نامیده‌اند.^{۹۵}

- شخصیتی به نام سفیان، خادم سعد بن ابی وقاص (از راویان روایت سوم) در کتب رجالی موجود نیست. عبدالله بن مسلم نیز در سند این روایت، مورد تضعیف رجالیان است.^{۹۶}

- وجود لیث بن ابی سلیم^{۹۷} در سند روایت چهارم و پنجم و عطاء بن مسلم^{۹۸} در سند روایت ششم، این روایات را از اعتبار ساقط می‌کند.

۲-۳. روش گزینش و چینش در روایات اعتقادی امامان شیعه

روش حدیثی گزینش و چینش، تلفیقی از دوروش سابق است. محدث در این روش، افزون بر گزینش روایاتی از لسان امامان، برای احتجاج علیه شیعه با چینش آن‌ها در کنار روایات دیگر، معنایی دیگر را به مخاطب ارائه می‌نماید.

روایت خواستگاری حضرت علی علیه السلام نمونه‌ای از روش گزینش و چینش احادیث است:

از حضرت علی علیه السلام نقل شده است:

لما خطبت بنت أبي جهل وجد النبي صلى الله عليه وآله موحدة فرأيت في وجهه فخرجت إلى أبي بكر فأخذت بيده فأدخلته علي رسول الله صلى الله عليه وآله، فلما رأى النبي صلى الله عليه وآله أبا بكر مقبلاً تهلل وجهه

۹۲. الجرح والتعديل، ج ۲، ص ۱۴۷.

۹۳. تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۴۱۷.

۹۴. لسان المیزان، ج ۱، ص ۳۲۹.

۹۵. معجم الرجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۲۸۹.

۹۶. تهذیب الکمال، ج ۱۶، ص ۱۳۳.

۹۷. الجرح والتعديل، ج ۷، ص ۱۷۸.

۹۸. الضعفاء والمتروکین، ج ۲، ص ۱۷۸.

النبي فقلت: يا رسول الله! رأيت في وجهك ما أكره فلما نظرت إلى أبي بكر تهلل وجهك إليه فرحا! فقال النبي ﷺ: ما يعني أن تهلل وجهي إلى أبي بكر فرحا وأبو بكر أول الناس إسلاما، وأقدمهم إيمانا...^{٩٩}

روایت فوق - که در باب «فضایل خلیفه اول» نقل شده - بیان گر جایگاه وی نزد پیامبر است؛ به گونه ای که رؤیت وی، اندوه را از چهره پیامبر ﷺ زدود. اندوهی که عامل آن حضرت علی ﷺ بوده است. چنینش این روایت در باب «فضایل حضرت زهراء ﷺ» بیان گر پیامی دیگر است. متقی مضمون روایت فوق را در باب مذکور از لسان حضرت باقر ﷺ و مسور بن مخرمه نقل نموده است:

عن ابي جعفر ﷺ: خطب علي ابنة أبي جهل فقام النبي علي المنبر فحمد الله ثم قال: إن علياً خطب الجويرية بنت أبي جهل ولم يكن ذلك له أن تجتمع بنت رسول الله و بنت عدو الله، وإنما فاطمة بضعة مني.^{١٠٠}

اشکالات سندی دو روایت پیشین

از شواهد جعلی بودن روایت اول، شاهد و راوی ماجرا، مسور بن مخرمه است که در سال دوم هجرت در مکه به دنیا آمده است.^{١٠١} او با این سن کم چگونه می تواند شاهد ماجرا باشد؟ از شخصیتی که هنگام بردن نام معاویه، بروی صلوات می فرستاده است،^{١٠٢} جعل چنین روایتی بر علیه حضرت علی ﷺ چندان بعید نیست.

در سند روایت منقول از امام باقر ﷺ، سفیان بن عیینه قرار دارد. جهل و ناآگاهی سفیان به مقام امامت از این سخنش هویدا است. وی گفته است:

ما به هر کسی که برای طلب حدیث نزد جعفر بن محمد می رفت، می خندیدیم؛ زیرا او در حدیث ماهر نبود.^{١٠٣}

نام سفیان در زمره مدلسین سند و روایت ثبت شده^{١٠٤} و در آخر عمر عقلش را از دست

٩٩. کنز العمال، ج ١٢، ص ٥١٦.

١٠٠. همان، ج ١٢، ص ٦٨٧.

١٠١. اسد الغابه، ج ٥، ص ١٧٠.

١٠٢. سیر اعلام النبلاء، ج ٣، ص ٢٩٢.

١٠٣. همان، ج ١١، ص ١١٢.

١٠٤. التبيين لأسماء المدلسين، ج ١، ص ٢٩.

داده است.^{۱۰۵} لذا به روایات وی اعتمادی نیست.

تحلیل روش متقی در چینش روایات

متقی روایت پیشین از امام باقر علیه السلام را همنشین روایتی دیگر از آن حضرت نموده است. همنشینی این دو روایت بیانگر خشم دختر پیامبر صلی الله علیه و آله بر علی علیه السلام و در نهایت خشم پیامبر از علی علیه السلام است.

عن محمد بن علی: إنما فاطمة بضعة مني، فمن أغضبها فقد أغضبني.^{۱۰۶}

هم سطح نمودن مقام خلفا و اهل بیت علیهم السلام و معرفی اهل بیت علیهم السلام به عنوان انسان‌های غیر معصوم، از اهداف بنی‌امیه بوده است. روایت مورد بحث، تحقق هر دو هدف را مد نظر دارد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در فضیلت حضرت زهرا علیها السلام فرمود:

فاطمه بضعة مني من أغضبها أغضبني.

سخن پیامبر به تواتر لفظی و معنوی در منابع اهل سنت نقل شده است. از سوی دیگر، در جریان سقیفه، پس از آن که احتجاج حضرت فاطمه علیها السلام بر ابوبکر در موضوع فدک به نتیجه نیاانجامید، فاطمه بر ابوبکر غضب نموده و تا زمان وفات، از وی راضی نشد.^{۱۰۷} هنگامی که ابوبکر و عمر به عیادت آن حضرت آمدند، حضرت زهرا علیها السلام به روایت پدر بزرگوارشان استناد نموده و فرمود:

در ملاقات با پدرم از شما شکایت خواهم کرد.^{۱۰۸}

خشم حضرت زهرا علیها السلام بر شیخین، سندی بر حقانیت شیعه و عدم تأیید خلافت ایشان است؛ لذا جعل روایت مورد بحث توسط دشمنان حضرت علی علیه السلام بیان‌گران است که چنانچه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله بر شیخین غضب نموده و شیعه خشم آن حضرت را دلیلی بر عدم حقانیت آن دو می‌داند، در پی خواستگاری حضرت علی علیه السلام از دختر ابوجهل، حضرت زهرا علیها السلام بر علی علیه السلام نیز غضب نموده است. متقی روایت خواستگاری حضرت علی علیه السلام را همنشین روایت «فاطمه بضعة منی...» - که به کثرت از صحابه و تابعین و امام باقر علیه السلام نقل

۱۰۵. الاغتباط بمن رمی من الرواة بالاختلاط، ج ۱، ص ۱۴۸.

۱۰۶. همان، ج ۱۲، ص ۱۱۲.

۱۰۷. البدایه و النهایه، ج ۵، ص ۲۸۵؛ تاریخ الإسلام و وفيات المشاهیر و الأعلام، ج ۳، ص ۳۱.

۱۰۸. الامامة و السياسة، ج ۱، ص ۳۴.

شده - نموده است.^{۱۰۹} این همنشینی نشان آن است که متقی، همچون برخی از اهل سنت، هدف ذکر شده را مدنظر داشته است.

۲-۴. روش تقطیع در روایات اعتقادی امامان شیعه

در این روش حدیثی، محدث قسمتی از حدیث را - که مؤید مبانی شیعه است - ساقط نموده است.

متقی در باب «شفاعت»، روایاتی را از امامان شیعه نقل نموده است (یک روایت از امام علی، یک روایت از امام سجاد علیه السلام، دو روایت از امام باقر علیه السلام و یک روایت از امام صادق علیه السلام). از جمله روایات مورد بحث شفاعت در پژوهش حاضر، روایت ذیل از حضرت علی علیه السلام است:

شفاعتی لأمتی من أحب اهل بیتی.^{۱۱۰}

بنا بر مضمون روایت فوق، محبان اهل بیت علیهم السلام مشمول شفاعت پیامبر هستند؛ لیکن متن کامل روایت در منابع دیگر، بدین شکل است:

شفاعتی لأمتی من أحب اهل بیتی و هم شیعیتی.^{۱۱۱}

چنانچه متن کامل روایت در باب «فضایل اهل بیت علیهم السلام» ذکر شود، بنا بر عنوان باب، فضیلتی از اهل بیت علیهم السلام را بیان می‌کند و چنانچه در «باب شفاعت» نقل شود، فضیلت شیعه را بیان می‌کند؛ به این صورت که شفاعت به کسانی که اهل بیت را دوست داشته باشند - که همان شیعه است - خواهد رسید، متقی متن کامل روایت را در باب «فضایل اهل بیت علیهم السلام» نقل نموده، لیکن در باب شفاعت، عبارت «و هم شیعیتی» را ساقط نموده است. وی افزون بر حذف عبارت «و هم شیعیتی» در باب مذکور، بلافاصله روایت «شفاعتی مباحة إلا لمن سب أصحابی» را نقل نموده است. نقل این روایت پس از روایت مورد بحث، خود دلیلی بر حذف عمدی عبارت «و هم شیعیتی» است؛ زیرا سب صحابه پیامبر، از ویژگی‌های روافض شمرده شده است.^{۱۱۲} افزون بر آن، متقی روایت همراه بودن شیعه با

۱۰۹. کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۱۲.

۱۱۰. همان، ج ۱۴، ص ۳۹۹.

۱۱۱. تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۲۵۷.

۱۱۲. الشریعه، ج ۵، ص ۲۵۱۲.

اهل بیت علیهم السلام در ورود به بهشت را در «باب شفاعت» نقد سندی نموده که این عملکرد محدث، خود دلیلی دیگر بر حذف عمدی عبارت مازاد در جهت انکار فضیلتی از شیعه است.^{۱۱۳} در بینش متقی، محبان اهل بیت علیهم السلام و شیعه دو مقوله کاملاً جدا و از هم بیگانه است. با وجود آن که هندی، شیعه را مشمول شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله ندانسته و روایت ورود شیعه به بهشت را نقد می‌کند، لیکن روایت ذیل را توسط امام رضا علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌نماید:

من شفیع چهار گروه در قیامت هستم؛ کسی که ذریه مرا گرامی بدارد، کسی که حاجات ایشان را برآورد، کسی که برای انجام کارهایشان تلاش نموده و کسی که با قلب و زبان ایشان را دوست بدارد.

در منابع شیعی نیز روایاتی مشابه روایات فوق، بر محبت اهل بیت علیهم السلام به عنوان دستاویز شفاعت تأکید می‌کند.^{۱۱۴}

۲-۵. روش تقطیع، چینش و گزینش در روایات اعتقادی امامان شیعه

روش حدیثی متقی در نقل برخی از روایات اعتقادی امامان شیعه، تلفیقی از روش تقطیع، گزینش و چینش است. سعی متقی بر آن است که خشم حضرت زهرا علیها السلام بر شیخین را کتمان و برخی از وقایع تاریخی را توجیه و یا حذف نماید. از این رو روایت خشم حضرت زهرا علیها السلام نسبت به ابوبکر را به گونه‌ای نقل نموده که گویا از بیان حقیقتی تاریخی گریخته است.

الف. تقطیع در روایت

در روایتی که متقی در موضوع مطالبه فدک توسط حضرت زهرا علیها السلام نقل می‌کند، ابوبکر در جواب آن حضرت گفت:

إن رسول الله صلی الله علیه و آله قال: لا نورث، ما ترکناه صدقة إنما يأکل آل محمد من هذا المال یعنی مال الله، لیس لهم أن یزیدوا علی المأکل، وإنی والله لا أغير صدقات النبی عن حالها التي كانت علیه فی عهد النبی، ولأعملن فیها بما عمل النبی فیها فعل، فأبی أبو بکر أن یدفع إلی فاطمة منها شیئاً فوجدت (غضبت) فاطمة علی أبی بکر من ذلك.^{۱۱۵}

۱۱۳. کنز العمال، ج ۱۲، ص ۹۴.

۱۱۴. المعجم الأوسط، ج ۲، ص ۳۶۰.

۱۱۵. کنز العمال، ج ۵، ص ۶۰۴.

مصداری که متقی، به عنوان منبع حدیث فوق، به آن‌ها استناد می‌کند (صحیح مسلم، صحیح البخاری، مسند الشامیین و طبقات ابن سعد)،^{۱۱۶} ادامه روایت را این‌گونه نقل نموده‌اند:

و هجرته فلم تکلمه حتی توفیت بعد رسول الله ﷺ بستة أشهر فلما توفیت، دفنها زوجها علی لیلًا ولم یؤذن بها أبوبکر و صلی علیها.^{۱۱۷}

گزارش فوق بیان‌گر عدم رضایت فاطمه علیها السلام از ابوبکر تا وفات خویش است؛ به گونه‌ای که با وی سخن نگفت و مخفیانه توسط حضرت علی علیه السلام به خاک سپرده شد. لیکن متقی، از نقل این گزارش - که حاکی از عدم رضایت فاطمه است - خودداری نموده است. به عبارت دیگر، متقی فعل حضرت زهرا علیها السلام، مبنی بر سخن نگفتن با ابوبکر تا زمان وفات، و فعل امام علی علیه السلام مبنی بر دفن مخفیانه دختر پیامبر را از انتهای روایت ساقط و ادامه روایت را این‌گونه نقل نموده است:

فقال أبو بکر: والذی نفسی بیده لقرابة رسول الله ﷺ أحب إلی أن أصل من قرابتی، فأما الذی شجر بینی و بینکم من هذه الصدقات فإنی لا ألو فیها عن الحق.^{۱۱۸}

حتی با وجود این‌که ابن سعد نیز در *الطبقات* (یکی از منابع متقی برای نقل این روایت) عبارت «فلم تکلمه حتی توفیت»^{۱۱۹} را نقل نموده؛ اما تعصب متقی مانع نقل ادامه روایت شده است.

ب. چینش روایت تقطیع شده با روایات مؤید

متقی پس از آن‌که عبارت حاکی از دفن مخفیانه حضرت زهرا علیها السلام را از روایت فوق حذف نموده است، خشم حضرت زهرا علیها السلام بر ابوبکر را در روایت تقطیع شده نیز با چینش روایت شعبی در کنار آن کتمان نموده است. بنا بر روایت شعبی، ابوبکر پس از خشمگین نمودن حضرت زهرا علیها السلام رضایت ایشان را حاصل نموده است:

عن الشعبی: لما مرضت فاطمة أتاها أبو بکر فاستأذن علیها فقال علی: یا فاطمة! هذا

۱۱۶. همان، ج ۵، ص ۶۰۵.

۱۱۷. صحیح ابن حبان، ج ۱۱، ص ۱۵۲؛ صحیح البخاری، ج ۱۴، ص ۱۳۵؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۳۸۰؛ مسند الشامیین، ج ۴، ص ۱۹۸.

۱۱۸. کنز العمال، ج ۵، ص ۶۰۵.

۱۱۹. الطبقات، ج ۲، ص ۳۱۵.

أبو بكر قط، فقالت أتحب أن أذن له؟ قال: نعم، فأذنت له فدخل عليها يترضاها، وقال: والله ما ترك بل ظت الدار والمال والأهل والعشيرة إلا ابتغاء مرضاة الله ورسوله ومرضاتكم أهل البيت.^{۱۲۰}

هم نشین نمودن روایت ذیل با روایات فوق نیز گویای اطمینان خاطر حضرت زهرا علیها السلام به گفته ابوبکر و صحت فعل او در عدم اعطای فدک به ایشان است.

جاءت فاطمة إلى أبي بكر الصديق فقال: يا خليفة رسول الله صلى الله عليه وآله؛ أنت ورثت رسول الله صلى الله عليه وآله أم أهله؟ قال: لا بل أهله، قالت: فما بال الخمس؟ فقال: إني سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: إذا أطمع الله نبيا طعمة، ثم قبضه، كانت للذي يلي بعده، فلما وليت رأيت أن ارده على المسلمين، قالت: فأنت وما سمعت من رسول الله صلى الله عليه وآله أعلم ثم رجعت.^{۱۲۱}

ج. گزینش روایتی شاذ از امام صادق علیه السلام

متقی علاوه بر حذف دفن مخفیانه حضرت زهرا علیها السلام از روایت بخاری، جهت اثبات دفن علنی آن حضرت، روایتی از امام صادق علیه السلام در ابواب آتی نقل نموده است:

عن جعفر بن محمد: ماتت فاطمة بنت النبي فجاء أبو بكر وعمر ليصلوا فقال أبو بكر لعلي: تقدم، فقال: ما كنت لأتقدم وأنت خليفة رسول الله صلى الله عليه وآله فتقدم أبو بكر فصلى عليها.^{۱۲۲}

تقطیع، چینش و گزینش متقی در روایات فوق بیانگر مداخله اغراض و تعصبات مذهبی محدث در نقل روایات اعتقادی شیعی است.

روایت امام صادق علیه السلام، جز در برخی از منابع تاریخی متأخر، در منابع حدیثی اهل سنت موجود نیست. منابع تاریخی و حدیثی متقدم، دفن حضرت فاطمه علیها السلام، توسط حضرت علی علیه السلام را شبانه و مخفیانه نوشته‌اند. افزون بر اقرار محدثانی همچون بخاری و صنعانی^{۱۲۳} و مورخان متقدم همچون طبری،^{۱۲۴} ابن اثیر^{۱۲۵} و سبط ابن جوزی^{۱۲۶} بر دفن شبانه و مخفیانه

۱۲۰. کنز العمال، ج ۵، ص ۶۰۵.

۱۲۱. کنز العمال، ج ۵، ص ۶۰۵.

۱۲۲. همان، ج ۱۲، ص ۵۱۵.

۱۲۳. الجامع الصحیح، ج ۱۰ ص ۲۹۸؛ المصنف، ج ۳، ص ۵۲۱.

۱۲۴. تاریخ الرسل والملوک، ج ۳، ص ۲۴۰.

۱۲۵. الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۲۰۰.

۱۲۶. مرآة الزمان فی تواریخ الاعیان، ج ۴، ص ۲۷۰.

حضرت فاطمه علیها السلام، متقی روایت امام صادق علیه السلام را از منبعی نامشهور تاریخی (کتاب روایت مالک از خطیب بغدادی) نقل نموده؛ در حالی که به منابع تاریخی و حدیثی ذکر شده؛ همچون صحیح البخاری و مصنف عبدالرزاق دسترسی داشته است.^{۱۲۷}

نتیجه آن که اغراض محدث برای تأیید و اثبات عقاید مذهبی و کلامی، وی را به اتخاذ چنین روش‌های حدیثی ترغیب نموده است.

نتیجه‌گیری

از مباحثی که در مقاله پیش‌رو، درباره عملکرد متقی در مواجهه با روایات اعتقادی امامان شیعه بازتاب یافته، نتایج ذیل قابل استفاده است:

۱. متقی روایات بیشتری نسبت به سایر محدثان اهل سنت از امامان شیعه در *کنز العمال* نقل نموده است، لیکن تعصب مذهبی و اعتقادی و نگاه ناخوشایند محدث به شیعه، موجب اتخاذ روش گزینش، چینش و تقطیع در نقل این احادیث شده است. به عبارت دیگر، نباید نقل فراوان روایات امامیه را حاکی از حسن نیت وی دانست؛ چرا که چگونگی نقل روایات امامیه در *کنز العمال* گویای استفاده ابزاری محدث از روایات اعتقادی و اتخاذ روش گزینش، چینش و تقطیع در نقل این روایات است.

۲. متقی در جهت تأیید خلفا و بیان عظمت مقام آن‌ها نزد امامان شیعه، روایاتی را از لسان ایشان گزینش و نقل نموده است. گزینش روایات متعدد از منابع مختلف، رضایت امامان شیعه از سیاست حاکمه و عدم اختلاف آن‌ها با خلفا را به مخاطب القا می‌نماید. نقل روایات ضعیف‌السند، تخریج احادیث از مصادر نه چندان معتبر، از انتقاداتی است که به روش گزینشی محدث وارد است.

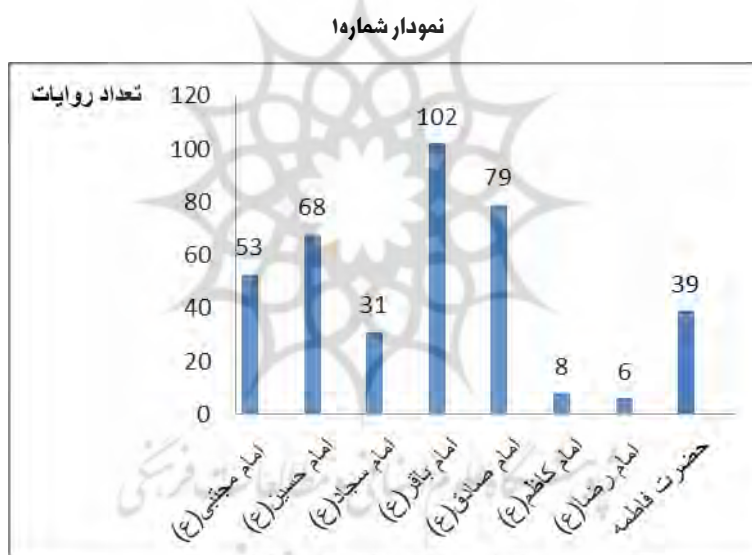
۳. روش هندی در مواجهه با برخی از روایات اعتقادی ائمه شیعه، نحوه چینش آن‌ها در یک باب است. متقی با چینش روایات امامان شیعه قرین روایات دیگر، نتیجه دلخواه خود را به مخاطب تفهیم می‌نماید؛ به عنوان مثال، روایت خواستگاری حضرت علی علیه السلام از دختر ابوجهل را - که به غضب حضرت زهرا علیها السلام منتهی شد - در کنار روایت «فاطمه بضعه منی فمن اغضبها اغضبنی» قرار داده به روشنی مبین خشم حضرت زهرا علیها السلام از علی علیه السلام و در نهایت خشم پیامبر صلی الله علیه و آله از علی علیه السلام باشد.

۱۲۷. برای موارد بیشتر رک: شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید) ج ۱۶، ص ۱۵۷؛ تأویل مختلف الحدیث، ج ۱، ص ۳۰۰.

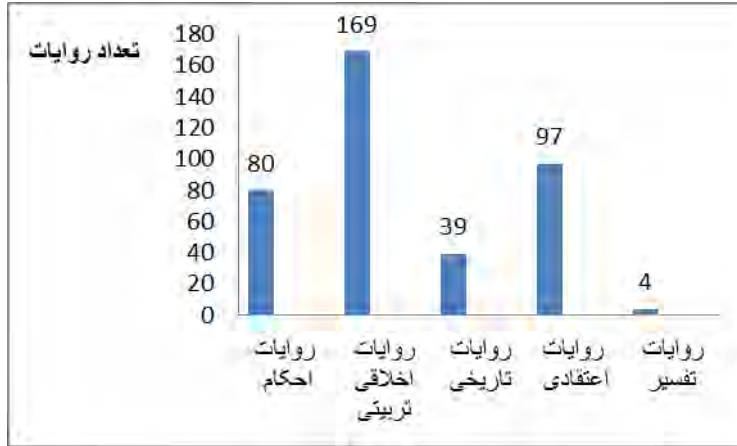
۴. تعصبات کلامی و مذهبی محدث، موجب تقطیع برخی از روایات اعتقادی شیعی در *کنز العمال* شده است؛ به عنوان نمونه، متقی جهت کتمان فضیلتی از شیعه، عبارتی از حدیث امام علی علیه السلام را - مبنی بر این که شیعه مشمول شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دارد - ساقط نموده است.

۵. در پاره‌ای از موارد، تلفیق روش‌های حدیثی نامبرده در مواجهه با روایات اعتقادی شیعی به چشم می‌خورد؛ به عنوان مثال، کتمان ماجرای دفن مخفیانه حضرت زهرا علیها السلام و دفن ایشان توسط شیخین، حاصل از روش تقطیع، چینش و گزینش متقی در نقل روایات اعتقادی است.

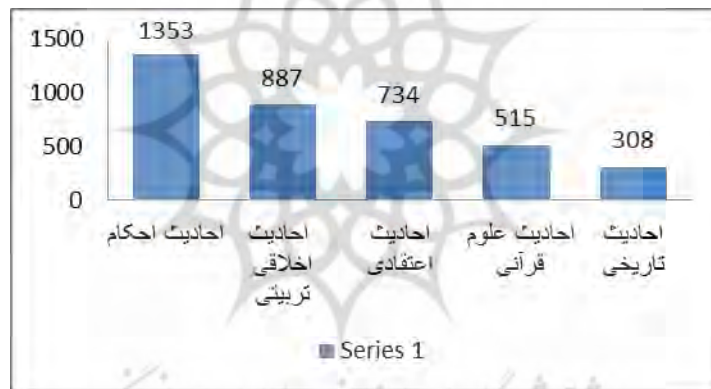
پیوست



نمودار شماره ۲



نمودار شماره ۳



کتابنامه

- أسد الغابة فی معرفة الصحابه، ابن اثیر علی بن أبی الکریم، تحقیق: علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- اصول الفقه، محمدرضا مظفر، بیروت: درالتعارف، بی جا، ۱۴۰۵ق.
- الاغتباط بمن رمی من الرواة بالاختلاط، برهان الدین الحلبي، قاهرة: دارالحدیث، چاپ اول، ۱۹۸۸م.
- الامامه والسیاسه، ابن قتیبہ دینوری، تحقیق الزینی، بی جا، بی تا.
- أنوار التنزیل وأسرار التأویل، عبد الله بن عمر بیضاوی، بیروت: دارالاحیاء التراث، چاپ اول،

- ۱۴۱۸ق.
- الأوتائل، أبو هلال الحسن بن عبد الله العسكري، طنطا: دارالبشير، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: دارالاحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- البدايه والنهایه، إسماعیل بن عمر بن كثير، بیروت: مكتبة المعارف، بی جا، بی تا.
- تاریخ بغداد، خطیب البغدادي، قاهره، بی نا، چاپ اول، ۱۳۵۰ق.
- تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، شمس الدين الذهبي، بیروت: دارالكتاب العربی، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
- تاریخ الرسل والملوک، ابو جعفر طبری، بیروت: دارالتراث، چاپ دوم، ۱۳۸۷ق.
- تاریخ مدينة دمشق، ابو القاسم علی بن الحسن، تحقیق: محب الدين عمر، بیروت: دارالفکر، بی جا، ۱۹۹۵م.
- تأویل مختلف الحديث، عبدالله بن قتيبه دينوري، بیروت: دارالجیل، ۱۳۹۳ق.
- التبيين لأسماء المدلسين، أبو الوفا إبراهيم بن محمد، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
- تفسیر القرآن العظيم، اسماعیل بن عمرو بن كثير دمشقی، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- تفسیر القرآن العظيم، عبدالرحمن ابن ابی حاتم، تحقیق: اسعد محمد الطیب، عربستان: کتابخانه نزار مصطفی، چاپ سوم، ۱۴۱۹ق.
- الجامع الصحيح، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت: دار ابن كثير، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
- الجامع الصحيح، مسلم بن الحجاج النيشابوري، بیروت: دارالجیل، بی جا، بی تا.
- الجرح والتعديل، عبد الرحمن بن أبی حاتم، بیروت: دارالاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۲۷۱ق.
- روح المعانی فی تفسیر القرآن العظيم، سید محمود آلوسی، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- سنن الترمذی، محمد بن عيسى الترمذی، بیروت: نشر دارالاحیاء التراث، بی جا، بی تا.
- السنن الكبرى، احمد بن الحسين بیهقی، تحقیق: محمد عبدالقادر، مکه: نشرمکتبة دارالباز، بی جا، ۱۴۱۴ق.
- السنه، أبو بكر بن أبی عاصم، بیروت: المکتب الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۰ق.
- سیر أعلام النبلاء، شمس الدين الذهبي، بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ سوم، ۱۴۰۵ق.

- شرح نهج البلاغه، ابو حامد ابن ابى الحديد، بيروت: دارالكتب العلميه، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- الشريعه، محمد بن الحسين الأجرى البغدادى، رياض: دارالوطن، چاپ دوم، ۱۴۲۰ق.
- صحيح ابن حبان، محمد بن حبان، بيروت: مؤسسه الرساله، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- الضعفاء والمتروكين، عبدالرحمان بن على الجوزى، تحقيق: عبد الله القاضى، بيروت: دارالكتب العلميه، ۱۴۰۶ق.
- الضعفاء والمتروكين، أحمد بن شعيب النسائى، تحقيق: محمود ابراهيم، حلب: دارالوعى، چاپ اول، ۱۳۶۹ق.
- الطبقات الكبرى، محمد بن سعد، بيروت: دار صادر، بی چا، بی تا.
- العلل المتناهيه، جمال الدين الجوزى، فيصل آباد: إدارة العلوم الأثرية، چاپ دوم، ۱۴۰۱ق.
- علوم الحديث (مقدمه ابن صلاح)، ابن صلاح عثمان بن عبدالرحمان، به كوشش: نور الدين عتر، بيروت: دارالفكر المعاصر، ۱۳۹۷ق.
- فتح المنعم شرح صحيح مسلم، دكتور موسى شاهين، بی چا، دارالشروق، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
- الكاشف فى معرفة من له رواية فى الكتب الستة، شمس الدين الذهبى، تحقيق: محمد عوامه، دارالقبلة، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- الكامل فى التاريخ، ابن اثير جزرى، تحقيق: عمر عبد السلام، بيروت: دارالكتاب العربى، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- الكامل فى ضعفاء الرجال، أبو أحمد بن عدى الجرجانى، تحقيق: عادل أحمد عبدالموجود، بيروت: الكتب العلميه، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- كنز العمال فى سنن الأقوال والأفعال، على بن حسام الدين الهندى، تحقيق: بكرى حيانى صفوة السقا، بيروت: مؤسسه الرساله، چاپ پنجم، ۱۴۰۱ق.
- لسان العرب، محمد بن مكرم بن منظور، بيروت: دار صادر، چاپ سوم، بی تا.
- لسان الميزان، أحمد بن على بن حجر عسقلانى، تحقيق: عبد الفتاح أبوغدة، مكتب المطبوعات الاسلاميه، بی چا، بی تا.
- المجالسه والجواهر العلم، أحمد بن مروان دينورى، بيروت: دار ابن حزم، بی چا، ۱۴۱۹ق.
- المجروحين، أبو حاتم محمد بن حبان، تحقيق: محمود ابراهيم، حلب: دارالوعى، بی چا، بی تا.

- مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نور الدين هيثمى، بيروت: دارالفكر، بى چا، ۱۴۱۲ق.
- مرآة الزمان فى تواريخ الاعيان، شمس الدين يوسف، دمشق دارالرسالة العالميه، چاپ اول، ۱۴۳۴ق.
- المستدرک على الصحيحين، محمد بن عبد الله النيشابورى، تحقيق: مصطفى عبد القادر، بيروت: دارالكتب العلميه، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- مسند احمد، أحمد بن محمد بن حنبل، تحقيق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، بيروت: مؤسسه الرساله، چاپ اول، بى تا.
- مسند الشاميين، سليمان بن أحمد الطبرانى، تحقيق حمدى بن عبدالمجيد، بيروت: مؤسسة الرساله، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
- المصنف، عبد الرزاق الصنعانى، بيروت: المكتب الإسلامى چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- المعارف، عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينورى، تحقيق: ثروت عكاشة، قاهره: الهيئة المصرية، چاپ دوم، ۱۹۹۲م.
- المعجم الاوسط، سليمان بن أحمد بن أيوب طبرانى، تحقيق: عبد المحسن بن إبراهيم، قاهره: نشر دارالحرمين، بى چا، بى تا.
- المعجم الكبير، سليمان بن احمد الطبرانى، تحقيق: حمدى بن عبد المجيد، بى چا، چاپ دوم، بى تا.
- المعرفة والتاريخ، يعقوب بن سفيان الفسوى، تحقيق: أكرم ضياء العمرى، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ دوم، ۱۴۰۱ق.
- معرفة الثقات، أحمد بن عبد الله العجلى، بى نا، بى چا، بى تا.
- مفاتيح الغيب، فخرالدين رازى، بيروت: دارالاحياء التراث، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
- ميزان الاعتدال فى نقد الرجال، شمس الدين ذهبى، تحقيق: على محمد البجاوى، بيروت: دارالمعرفة، چاپ اول، ۱۳۸۲ق.
- نزهة الخواطر و بهجة المسامع، عبد الحى بن فخرالدين الحسنى، بيروت: دار ابن حزم، چاپ اول، ۱۴۲۰.
- النور السافر عن أخبار القرن العاشر، محى الدين العيڤدروس، بيروت: دارالكتب العلميه، چاپ اول، ۱۴۰۵.
- نهج البلاغه، محمد بن حسين شريف رضى، شرح: صبحى صالح، قم: نشر هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

- هدی الساری (مقدمه فتح الباری)، احمد بن علی عسقلانی، تحقیق: عبدالقادر شیبه احمد، ریاض: نشر کتابخانه ملک فهد، چاپ اول، ۱۴۲۱ق
- ینابیع الموده، سلیمان قندوزی، بیروت: مؤسسه العلمی، ۱۴۱۸ق.
- «روایات اهل بیت علیهم السلام در منابع اهل سنت»، نوروز امینی، علوم حدیث، شماره اول، سال سیزدهم.

